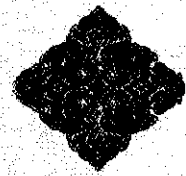


یومی جلوه‌ها از هجرتی علماء

مرکز آموزش‌های تخصصی تبلیغ



هیئت‌های مذهبی و تجاری از ایران به سوی دیگر کشورها رهسپار شدند، و هم چنانکه از لبنان گروهی به ایران دعوت شدند، عده‌ای از طلاب و روحانیون ایرانی نیز همراه با تجار و جهانگردان علاقمند، برای تبلیغ و تجارت به سوی دیگر کشورها هجرت کردند. یکی از این افراد «شیخ احمد قمی» بود که هم در حوزه‌های علمیه تحصیل کرده بود و هم دستی در تجارت داشت.

تقریباً در پایان قرن شانزدهم میلادی - حدوداً ده سال پس از آغاز سلطنت «ناراسوثن» - بود که یک کشتی زیبا و بزرگ ایرانی به آرامی از خلیج «سیام» وارد رودخانه «چائوفرایا» شد

بنیانگذاری اسلام در تایلند توسط شیخ احمد قمی
شیخ احمد قمی در محله پائین شهر قم، در سال ۹۲۲ ه. ق متولد شد. سال‌های اولیه زندگی را به تحصیل دروس اسلامی مشغول شده و پس از مدت زمانی کوتاه به لقب «شیخ» ملقب گردید. دوران جوانی او با تاسیس سلسله صفویه در ایران مقارن بود، سلسله‌ای که مذهب شیعه را رسماً پذیرفت و با این پذیرش موجبات تقویت حوزه‌های علمیه شیعی در ایران فراهم شد.

چندی نگذشت که با استحکام قدرت سلسله صفویه و توسعه روابط ایران با دیگر کشورهای جهان،

خانم از خانواده‌ای سرشناس فراهم شد. حاصل از دواج آن‌ها یک دختر و دو پسر بود. پسر بزرگتر «چوئن» نامیده شد و پسر کوچکتر پیش از سن ده سالگی درگذشت، و با این فرزندان نخستین شاخه خانواده تایلندی تبار شیخ احمد شکل گرفت.

موقعیت تجاری او در این مدت باعث شد تا از سوی تعدادی از بازرگانان به عنوان رئیس صنف انتخاب شود و همین امر به او امکان داد تا هر چندگاه یک بار به دیدار با شاه آنجا رفته، امتیاز مهمی برای رونق کارهای خود و یاران و همکارانش کسب نماید.

«ناراسوئن» در این هنگام درگذشت و برادرش «اکاتوت ساروت» به قدرت رسید، و از آنجایی که وی بر خلاف برادرش به فعالیت‌های نظامی علاقه چندانی نداشت و بیشتر به توسعه اقتصادی «آیوتایا» می‌اندیشید، طبیعی بود که موقعیت مناسبی برای تجاری که از هوش و ذکاوت فراوانی در توسعه بین‌المللی تجارت منطقه برخوردار بودند فراهم شود.

به دلیل دوستی نزدیکی که بین شیخ احمد و یکی از درباریان به نام

و پس از یک سفر پر مخاطره به قصد «آیوتایا» به حرکت خود ادامه داد.

مسئولیت کشتی بر عهده مردی پنجاه ساله بود که مسافرین کشتی او را «شیخ احمد قمی» خطاب می‌کردند و به خاطر داشتن هوش، ذکاوت و تسلطش بر چندین زبان خارجی، او را می‌ستودند. او توسط تعدادی از تجار و ملاحان که برادر کوچکترش «محمد سعید» نیز در میان آنان بود، همراهی می‌شد. آنان از آینده‌ای که در انتظارشان بود اطلاع چندانی نداشتند، اما مصمم بودند تا در این سرزمین ناشناخته ساکن شوند و در سایه آن اهداف خویش را با تلاش و کوشش دنبال کنند.

شیخ احمد در یک حرکت دو جانبه تجاری - مذهبی پس از یک دهه فعالیت چشمگیر، گروه «چائوس» را به وجود آورد، گروهی که او را در تبلیغ آئین اسلام و روابط بین‌المللی یاری می‌دادند.

پس از ده سال اقامت در «آیوتایا» شهرت وی چنان اوج گرفته بود که خانواده‌های معروف و بزرگ شهر آرزوی ملاقات با وی، و همکاری با او در امور تجاری و فرهنگی را داشتند. در همین بین مقدمات ازدواجش با یک

به او سپرد، او نیز مسؤولیت اقلیت‌های خارجی را به عهده «شیخ احمد» گذاشت.

بی‌تردید موقعیت فرهنگی و تجاری شیخ احمد همراه با شخصیت نمونه‌اش در روابط اجتماعی، تاثیر فراوانی در به دست آوردن سمت مشاور وزیر و مدیریت توسعه بندر و گمرک «آیوتایا» داشته است. به عبارت دیگر او دومین فرد پس از وزیر امور خارجی و بازرگانی شده بود.

هنگامی که نزدیک‌ترین دوستش «جاموئن سوراساکتی» درگذشت، شیخ احمد به جانشینی او منصوب شد و نکته جالب اینجاست که تا هشت نسل، تمام جانشینان شیخ احمد در این منصب، همگی از فرزندان خود او بوده‌اند.

چندی نگذشت که جامعه مسلمانان «سیام» از حیث نفوذ سیاسی و فرهنگی اعتبار قابل توجهی پیدا کرد. دوستان و پیروان شیخ احمد توانسته بودند کلاس‌های مذهبی فعالی را برای خارجیان و همچنین اهالی ساکن «آیوتایا» برگزار کنند، و به وسیله همین کلاس‌ها هر روز به تعداد تازه مسلمانان منطقه به سرعت بیفزایند.

«جاموئن سوراساکتی» ایجاد شده بود، رفت و آمد وی به دربار زیاد شد و با استفاده از این موقعیت توانست از نزدیک نسبت به تحولات داخلی دربار و درگیری‌های سیاسی میان شاهزادگان که پس از سلطنت «اکاتوت ساروت» پیش آمده بود، مطلع گردد.

درست در همین زمان استعمارگران هلندی و در کنار آن‌ها سیاستمداران انگلیسی به منطقه وارد شده، رقابت شدید سیاسی و تجاری میان نیروهای استعمارگر و تجار و صاحب‌منصبان سیاسی ایجاد گردید. شیخ احمد که مردی زیرک بود خود را از درگیر شدن در این رقابت‌های خطرناک دور نگه داشت و کوشید به دامنه تبلیغات اسلامی خود بیفزاید و آن را گسترش دهد.

در فضای آشفته خلیج «سیام» ۱۶۰۵ و ۱۶۱۵ میلادی «جاموئن سوراساکتی» دوست صمیمی شیخ احمد توانست نفوذ خود را در دربار افزایش دهد و در سال‌های ۱۶۰۹ و ۱۶۱۰ میلادی به عنوان یکی از متنفذان دربار، «سونگ هام» را در به دست گرفتن قدرت یاری نماید. شاه هم پس از به قدرت رسیدن، وزارت امور داخلی و مدیریت تجارت خارجی را

در این موضوع نقش تعیین‌کننده‌ای بود. به این ترتیب شیخ احمد علاوه بر سمت‌های اداری، تجاری و سیاسی، به سمت رئیس جامعه مسلمانان «سیام» نیز منصوب گشته و بعدها به عنوان نخستین شیخ الاسلام سرزمین سیام (تایلند) شناخته شود.

چندی نگذشته بود که یک توطئه بزرگ سیاسی در «آیوتایا» به وقوع پیوست، توطئه‌ای که عمدتاً توسط خسارجیان و به خصوص گروه ماجراجویان ژاپنی هدایت می‌شد. این موقعیت خطرناکی برای شیخ احمد بود، چرا که وی رسماً مسئولیت ارتباط و اداره امور بیگانگان مقیم «آیوتایا» را به عهده داشت. او که از توطئه آگاه شده بود با فراستی خاص طرفداران خود را به مقابله با این توطئه فرا خواند و به سرعت بر شورش مسلط شد. شواهد تاریخی از این نکته حکایت دارند که حضور یک جامعه قوی اسلامی در امپراطوری «سیام» مهمترین دلیل شکست توطئه خارجیان بوده است.

پادشاه که به هنگام توطئه، سلطنت خود را از دست رفته می‌دید، و اینک با زیرکی شیخ احمد موفق شده بود تا آن را مجدداً تحکیم بخشد،

حضور شیخ احمد در دربار «سیام» موجب شده بود تا بازرگانان مسلمان به راحتی بتوانند به منطقه رفت و آمد کرده و از امتیازات بازرگانی مناسبی برخوردار شوند، که این موقعیت در ترویج فرهنگ اسلام، عامل موثر و مهمی به حساب می‌آمد.

در این زمان شبه جزیره مالزی تقریباً به اشغال کامل هلندی‌ها درآمده بود و ساکنین مسلمان این منطقه که در امور سیاسی و اجتماعی خود دچار مشکل شده و تحت فشار دشمنان قرار گرفته بودند، با توجه به حضور یک وزیر قدرتمند مسلمان در حکومت «سیام» توجه خود را به سوی شمال معطوف نموده، به این سرزمین مهاجرت می‌کردند.

شیخ احمد موفق شده بود تا با سیاستی زیرکانه، ضمن حفظ روابط تجاری با هلندی‌ها و انگلیسی‌ها به موقعیت تجاری مسلمانان در آب‌های خلیج «سیام» و دریای جنوب چین رونق بخشد، که همین نکته به تقویت جامعه اسلامی «سیام» منجر شده بود. با توسعه کمی و کیفی نفوذ جامعه مسلمانان، شاه در صدد برآمد تا آن‌ها را به عنوان اقلیت مذهبی رسمی مورد شناسایی قرار دهد و نقش شیخ احمد

پوشانیده و به زیارتگاهی تبدیل شده است که نه تنها مسلمانان بلکه بودائیان منطقه هم حاجات خود را با زیارت قبر او طلب می‌کنند و این به پاس نفوذ شخصیت معنوی مرد بزرگی همچون اوست که افتخاری برای اسلام به حساب می‌آید.

گنبد طلائی رنگ مرقد شیخ احمد و معماری ویژه‌اش به خوبی بیانگر فرهنگ و هویت مذهبی اوست و کتیبه‌ای سنگی در مقابل مقبره‌اش قرار دارد که به صورتی مختصر اما دقیق زندگی‌نامه وی را برای زائرین بیان می‌کند.

در بخشی از این کتیبه سنگی و زیبا که به زبان انگلیسی و تایلندی حکاکی شده چنین آمده است:

«شیخ احمد نخست‌وزیر دولت تایلند در «آیوتایا» در محله پایین شهر، در شهر قم، مرکز اسلامی ایران، در سال ۱۵۴۳ میلادی متولد شد، شیعه اثنی عشری بود و در زمان شاه «ناراسوئن کبیر» به «آیوتایا» مهاجرت کرد ...»

شیخ احمد با هجرت خویش به آن سرزمین توانست مذهب شیعه،

علاوه بر سمت‌های قبلی شیخ، او را به سمت وزارت امور داخلی و ریاست خزانه سلطنتی و امور داخلی و خارجی نیز منصوب کرد و در حقیقت این نخستین بار بود که فردی بیگانه توانسته بود چنین مقامی را در امپراطوری «سیام» به دست آورد.

شیخ احمد به مدت بیست و پنج سال به عنوان نخست‌وزیر به ماموریت‌های اداری و مذهبی خود ادامه داد. او به مدت سلطنت شش شاه از شاهان «آیوتایا» در مهمترین و بالاترین مناصب حکومتی قرار داشت و هنگامی که به علت کهولت سن از سمت‌های خود استعفا داد و شغل‌هایش را به پسرش واگذار کرد، همچنان به عنوان «وزیر بازنشسته دربار» و «شیخ الاسلام سیام» نفوذ و اعتبارش را حفظ کرده بود.

در حال حاضر مقبره این مروج اسلام در آن سرزمین غربت به عنوان مقبره یکی از مهمترین شخصیت‌های سیاسی فرهنگی تایلند در دانشکده تربیت معلم شهر «آیوتایا» قرار دارد و با یک بنای اسلامی - مشابه آنچه در ایران به چشم می‌خورد - تزیین شده است. قبر او را سنگ مرمر سفیدی

وظیفه در دیار غربت و تنهایی، شمع وجودش را در فضای سرزمینی سرد، به سوختن بگذارد و ثمره آن جذب دل‌های انسان‌های خداجو و گسترش روزافزون دین اسلام گردد.

او توانست سرزمینی را با هزاران کیلومتر فاصله با سرزمین ایران و قم، به مرکز تشیع پیوند زده، هویت مشترک همدینان این دو سرزمین را تجلی بخشد.*

پی‌نوشت‌ها:

*- برای تدوین مجموعه «جلوه‌هایی از هجرت‌های علماء» از منابع زیر استفاده شده است:

قرآن کریم؛ المراجعات، شرف الدین عاملی؛ روضات الجنان، میرزا محمد باقر موسوی خوانساری؛ اعیان الشیعه، سید محسن امین؛ مجله نامه فرهنگ، شماره ۹؛ علامه امینی مصلح نستوه، سیدعلی رضا سید کباری؛ شرف الدین عاملی جاووش وحدت، مصطفی قلی‌زاده؛ نواب صفوی سفیر سحر، سیدعلی رضا سیدکباری؛ سید عبدالحسین لاری پیشوای تنگستان، سیدعلی رضا سیدکباری؛ محقق ثانی مفتدای شیعه، محمدجوان بیجان؛ شیخ طوسی خورشید ابرار، علی‌رضا شهروی؛ شیخ عبدالکریم حائری نگهبان بیدار، سعید عباس‌زاده.

خط عربی و زبان فارسی را در تایلند نفوذ داده و در ادامه، آن‌ها را به خوبی گسترش دهد تا جایی که امروز آن‌ها «نماز» را با همین واژه می‌شناسند.

شیخ احمد نه تنها خود گام مؤثری در گسترش اسلام در آن منطقه برداشت بلکه فرزندان وی از ادامه دهندگان راه پدر شدند، تا آنجا که تا پایان جنگ جهانی دوم پسران او تا چهارده نسل به عنوان شیخ الاسلام سرزمین تایلند معروف بوده‌اند و بر جامعه اسلامی این کشور - که هم اکنون حدود ۸ میلیون جمعیت را در بر می‌گیرد - سیمت رهبری داشته‌اند و آخرین فرزند وی به نام «سورن احمد چولا» تا سال ۱۹۳۲ میلادی در این مقام بوده است، پس از وی پسر بزرگترش «حاجی کیاساچولارت» به عنوان رهبر شیعیان دوازده امامی تایلند برگزیده شد و از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۲ میلادی در این مقام باقی ماند.

این حکایت مردی بود تربیت شده در مکتب قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام که با درایت و ذکاوت توانست در پوشش تجارت، پا را از مرزهای کشورهای اسلامی فراتر بگذارد و بر حسب